

وهابیان پس از تصرف مکه، به سمت مدینه حرکت کردند.
سعود بن عبدالعزیز، قصاب کربلا و طائف، که با مرگ پدرش در سال ۱۲۲۰ هـ.ق جانشین او شده بود، تصمیم گرفت سودای غارت مدینه را به واقعیت تبدیل کند. به همین دلیل در اواخر محرم سال ۱۲۲۰ هـ.ق، سپاه خونریز وهابی ها، به فرماندهی او، راهی مدینه شد و توانست این شهر را، با توسل به فریب و تهدید تصرف کند.

وهابی ها به محض ورود کشتار مردم را آغاز کردند. آن ها حتی کودکان را در آغوش مادرانشان سر بریدند و افرادی را که در مساجد به نماز ایستاده بودند، به بهانه کفر و شرک، گردن زدند. وهابی ها، به فتوای مفتیان خود، همه کتاب های اهل سنت را، در طائف، به آتش کشیدند و پایمال کردند. جست و جوی خانه به خانه آن ها، برای غارت و قتل، با مقاومت گروهی از اهالی طائف در خانه «فتنی» و «فهر» روبه رو شد. مقاومتی که سه روز ادامه داشت. تا اینکه ابن شکیان، فرمانده وهابی، به آن ها امان داد و توانست وادار به تسلیمشان کند؛ اما آن ها پس از تسلیم شدن فقط برای مدتی کوتاه زنده ماندند! جنایتکاران وهابی همه آن ها را به بهانه اینکه مشرکند و نباید سلاح داشته باشند، خلع سلاح کردند و نزد سعود بن عبدالعزیز بردند. او فرمان قتل همه آن ها را را به جرم بدعت و شرک صادر کرد و دویست و بیست نفر از کسانی را که در طائف مقاومت کرده بودند در تپه های «دقاق اللوز» گردن زدند. در همان حال وهابیان، پنجاه نفر از افرادی را که در قسمتی از طائف مقاومت کرده بودند، همراه با زنان و کودکان به اسارت گرفتند. آن گاه همه آن ها را به بیابان بی آب و علف بدون سایه «وج» در نزدیکی طائف بردند و برهنه کردند و برای سه روز در همان حال نگه داشتند. پس از سه روز مقداری لباس و غذا به آن ها دادند و مجبورشان کردند برای زنده ماندن زنان و کودکانشان، عقاید و هابیت را بپذیرند و با سعود بن عبدالعزیز بیعت کنند. وهابی ها برای یافتن اموال مردم، حتی خانه های مردم طائف را شخم زدند. جنایت و حشایانه وهابیان در طائف، زمینه را برای آغاز هجمه آن ها به مکه و مدینه فراهم کرد. وحشت ناشی از جنایات وهابیان در طائف نقش مؤثری در کم شدن مقاومت سایر نواحی عربستان در برابر آن ها داشت.

هجوم وهابی ها به مکه

با تصرف طائف، سعود بن عبدالعزیز که در صدد هجوم دوباره به عراق بود، تصمیم خود را تغییر داد و به سمت مکه حرکت کرد. این زمان مصادف با پایان موسم حج و خروج حجاج از مکه بود. شریف مکه که اخبار فاجعه طائف را شنیده بود، در مقاومت تردید کرد و وهابیان در ۸ محرم سال ۱۲۱۸ هـ.ق وارد مکه شدند. روز بعد تخریب اماکن مقدسه آغاز شد. وهابیان منزلی را، که زادگاه رسول خدا (ص) بود، با خاک یکسان کردند. حتی ساختمان روی چاه زمزم نیز از این هجمه در امان نماند و تخریب شد. کتاب های متعلق به مذاهب اربعه اهل سنت در آتش سوزانده شد و مطالعه هر نوع کتابی، به جز آثار محمد بن عبدالوهاب ممنوع شد. شریف مکه، که حیثیت خود را در خطر می دید، چند هفته بعد از جده به سمت مکه

حرکت کرد و وهابیان را از این شهر عقب راند؛ اما این ماجرا سر آغاز درگیری وهابیان با مردم مکه بود.

وهابی ها حرمت مکه را می شکنند

سعود بن عبدالعزیز، پس از مدت کوتاهی، هجوم به مکه و مناطق اطراف آن را از سر گرفت. وهابیان توانستند در سال ۱۲۱۹ هـ.ق، مکه را محاصره کنند. مدت و شدت محاصره شهر مقدس مکه توسط وهابیان به گونه ای بود که مردم آن، به خوردن سگ و گربه روی آوردند. این محاصره در تمام مدت ماه شعبان و ماه رمضان آن سال ادامه داشت. بسیاری از مسلمانان به دلیل گرسنگی در مکه جان باختند و کوجه های این شهر مقدس انباشته از اجساد مسلمانان و به ویژه کودکان شد. اکثر قربانیان این جنایت هولناک، پیروان مذاهب اربعه اهل سنت بودند. به این ترتیب شریف مکه ناچار شد صلح با وهابیان را در ابتدای محرم سال ۱۲۲۰ هـ.ق بپذیرد و شهر را به آن ها واگذارد. با فتوای مفتیان وهابی و فرزندان محمد بن عبدالوهاب، انجام مناسک حج برای غیر وهابیان حرام و ممنوع اعلام شد و مسلمانان جهان برای مدت چند سال (تا زمانی که قتنه وهابی ها موقتاً سرکوب شد) از انجام مناسک حج باز ماندند.

وهابیت و تاراج شهر پیامبر اسلام (ص)

وهابیان پس از تصرف مکه، به سمت مدینه حرکت کردند. سعود بن عبدالعزیز، قصاب کربلا و طائف، که با مرگ پدرش در سال ۱۲۲۰ هـ.ق جانشین او شده بود، تصمیم گرفت سودای غارت مدینه را به واقعیت تبدیل کند. به همین دلیل در اواخر محرم سال ۱۲۲۰ هـ.ق، سپاه خونریز وهابی ها، به فرماندهی او، راهی مدینه شد و توانست این شهر را، با توسل به فریب و تهدید تصرف کند. پروفیسور حامد الگار در باره این ماجرا می نویسد: در مدینه خزانه مسجد رسول خدا (ص) را غارت کردند و هنگامی که تعداد زیادی از مردمان غیرتمند تا سرحد مرگ مانع خراب کردن گنبدی شدند که بر فراز آرامگاه رسول خدا (ص) قرار

داشت، وهابیان این کار را رها کردند؛ اما تمام ساختمان ها و سنگ قبرهایی را که در گورستان مشهور «جنة البقیع» و پیوسته به مسجد رسول خدا (ص) بود، خراب کردند. در این قبرستان برخی همسران و اصحاب رسول خدا (ص)، چند امام از اهل بیت (ع) و چندین چهره تابناک تاریخ معنوی و فکری اسلام مدفون بودند. پیشتر هنگامی که علمای حرمین از قید اعمال زور و وهابیان آزاد بودند، آموزه های وهابیت را رد کرده بودند؛ و اکنون، ناچار بودند آن را بپذیرند. استیلا و وهابیان بر مکه و مدینه، چندین سال ادامه داشت و اگر قتنه نخستین آن ها توسط سپاهیان عثمانی، به فرماندهی محمد علی پاشا، سرکوب نشده بود، مسلمانان، اعم از شیعیان و اهل سنت، با جنایاتی به مراتب وحشتناک تر از کربلا و طائف روبه رومی شدند؛ چرا که اندیشه منحنط محمد بن عبدالوهاب با حربه تکفیر، مجوز قتل و غارت عمومی را صادر کرده و زمینه را برای گسترش یک هرج و مرج تمام عیار در سرزمین های اسلامی به وجود آورده بود.

گذشته، عبرتی برای آینده

باز خوانی پیشینه وهابیت در برخورد با سایر مسلمانان نشان می دهد که موضوع قتل و غارت در قاموس وهابیت، به مذهب و گروه خاصی محدود نمی شود. وهابی ها به تبعیت از محمد بن عبدالوهاب، سایر مسلمانان را مشرک و کافر و خون

آن ها را ابداع می دانند.

تاریخ گواهی می دهد که وهابی ها در جنایات وحشیانه خود، تفاوتی میان شیعیان و اهل سنت قائل نبوده اند. شاهد این حقیقت تلخ در جهان امروز، مظلومیت مردان و زنان بی گناه شیعه و سنی در سوریه و عراق است که وحشیانه توسط وهابیان تکفیری، فرزندان و پیروان محمد بن عبدالوهاب، قتل عام می شوند. صحنه های تکان دهنده این روزهای خاورمیانه، یادآور انبوه اجساد کودکان مکه و طائف و کربلاست که با شمشیر خونریز دژخیمان وهابی، به شهادت رسیدند.



منابع:

- * سید ابراهیم سید علوی؛ تاریخچه، نقد و بررسی وهابی ها؛ امیر کبیر؛ ۱۳۶۵
- * حامد الگار؛ وهابیگری؛ ترجمه احمد نمایی؛ بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی؛ ۱۳۸۷
- * علی بابایی آریا؛ پوستین وارونه، دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی و هنری خراسان
- * حسین صابری؛ سلفیه، بدعت یا مذهب؟؛ بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۵

